



# انترناسیونال

## ۷۹

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم  
جنبش بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-communist Party of Iran

جمعه، ۲۸ اسفند ۱۳۸۳، ۱۸ مارس ۲۰۰۵

www.m-hekmat.com

جمعه ها منتشر میشود

Fax: 001-519 461 3416

anternasional@yahoo.com

سردبیر: محسن ابراهیمی

کارگران علیه آدم ربایی  
جمهوری اسلامی!

صفحه ۸

بی بی سی چه میگوید؟!  
گزارش از تظاهرات حزب

صفحه ۶

مکالمه عطاالله مهاجرانی  
با کاظم نیکخواه!

صفحه ۷

"انتخابات" رژیم اسلامی!  
در حاشیه رویدادها

صفحه ۸

سیاوش دانشور

## اعتراض قدرتمند حزب علیه حضور وزیر ارشاد سابق جمهوری اسلامی در لندن! گفتگو با کاظم نیکخواه دبیر تشکیلات خارج و شیوا محبوبی دبیر تشکیلات انگلستان حزب



هر بار حزب کمونیست کارگری مطلع میشود و به اعتراض دست میزند. اینبار چگونه از حضور مهاجرانی در انگلستان مطلع

صفحه ۲



تظاهر کنندگان در مقابل محل حضور عطاالله مهاجرانی در لندن



انترناسیونال: بعد از کنفرانس برلین، معمولا مسئولین حکومت اسلامی مخفیانه به خارج می آیند و سعی میکنند جلساتشان حد الامکان علنی نشود. که البته



ستون اول

حمید تقوایی

## سوسیالیسم، راه رهایی ماست!

"سوسیالیسم امر ماست، راه رهایی ماست". این شعاری است که در چهارشنبه سوری امسال در خیابانهای سنندج داده شد. این دومین باریست که در چند ماه اخیر در تظاهرات و تجمعات مردم شعارهای صریحا سوسیالیستی مطرح میشود. حدود سه ماه قبل نیز "سوسیالیسم بیا خیز برای رفع تبعیض و سوسیالیسم دوی درد مردم" در خیابانهای تهران فریاد زده شد.

این شعارها هنوز همگانی نشده است، و هنوز همه در دیوارها را پر نکرده است، اما بزودی آن روز فراخواهد رسید. این آغاز راه است. این طلوعه افق و آرمان و آینده ایست که از دل تظاهرات و اعتراضات مردم، از جانب چپ ترین و رادیکال ترین فعالین جنبش انقلابی مردم به نمایندگی از ۷۰ میلیون انسان دربند جمهوری اسلامی سرمایه، فریاد زده میشود. و راه پیشروی را به همه نشان میدهد. سوسیالیسم پرچم انقلابی است که بزودی از راه میرسد. سوسیالیسم راه رهایی ما از حکومت مذهبی، از آپارتاید جنسی، از حجاب و قصاص و سنگسار و اعدام اسلامی و از فقر و فحشا و اعتیاد و از تبعیض و نابرابری است. "سوسیالیسم دوی درد مردم" است.

صفحه ۴

سال ۸۴ سال آزادی و برابری!  
پیام آذر ماجدی به مناسبت سال نو

صفحه ۴

سال ۸۳ سال سوسیالیسم بود!  
پیام حمید تقوایی به مناسبت سال نو

صفحه ۴

## جنبش کارگری در سال ۸۳ گامها به پیش گذاشت!

صفحه ۵

شهلا دانشفر



چهار شنبه سوری ۸۳!  
عکسهای سران جنایتکار حکومت اسلامی  
در آتش خشم و نفرت مردم میسوزد!



## آزادی، برابری، حکومت کارگری!

شدید؟

**کاظم نیکخواه:** برای این سخنرانی هم تبلیغ وسیعی نشده بود و اطلاعاتی که در یک سایت گمنام آمده بود. چهار روز قبل از سخنرانی یعنی پنجشنبه ۱۰ مارس رفیقمان نادر شریفی که مسئول سایت حزب است یک ای میل از یکی از ایرانیان در این مورد دریافت کرد و آنرا برای من ارسال کرد. من هم فوراً یادداشتی به شیوا محبوبی دبیر تشکیلات بریتانیا و بعضی از کادرهای تشکیلات انگلستان فرستادم و آنها هم فوراً دست به کار شدند.

**انترناسیونال: شیوا محبوبی، با توجه به این که فرصت بسیار کوتاهی داشتید. لطفاً از چگونگی سازماندهی این اعتراض در چنین فاصله کوتاهی صحبت کنید. و اینکه در تظاهرات چه اتفاقاتی افتاد؟**

**شیوا محبوبی:** ما در کمیته انگلیس حزب به محض با خبر شدن از جلسه مهاجرانی دست به کار سازماندهی این تظاهرات شدیم و طی اطلاعیه های فارسی و انگلیسی به همه آزادیخواهان فراخوان شرکت در تظاهرات را دادیم. این اطلاعیه ها را در سطح وسیعی از جمله در اماکن رفت و آمد ایرانیان در لندن پخش کردیم و آن را برای رسانه های فارسی و انگلیس فرستادیم. همینطور این اطلاعیه ها را برای تعدادی از دانشجویان ایرانی در دانشگاه کینگز کالج لندن (محل برگزاری جلسه مهاجرانی) و از جمله برگزار کنندگان این جلسه یعنی "جامعه دانشجویان ایرانی" در کینگز کالج ارسال داشتیم. ما همچنین طی نامه ای از "جامعه دانشجویان ایرانی" خواستیم که برگزاری این جلسه را ملغی نمایند.

حوالی ساعت شش عصر تظاهرات با پخش اطلاعیه، صحبت با عابری از جمله دانشجویان که با اشتیاق به صحبتهایمان گوش میدادند و سپس شعار دادن و سخنرانی کادرهای حزب شروع شد. وقتی با دانشجویان در این رابطه صحبت میکردیم، میگفتند اگر ما مطلع میشدیم حتماً از دانشگاه میخواستیم که جلو برگزاری این جلسه را بگیرد. پس از مدت کوتاهی چند نفر از ما سعی کردیم به

اتاق جلسه سخنرانی مهاجرانی برویم و آنجا صحبت کنیم اما اعضای همین "جامعه دانشجویان ایرانی" به نکهبانان دانشگاه گفتند که به ما اجازه ورود ندهند. وقتی نکهبانان دانشگاه با اصرار ما روبرو شدند عاجز از بیرون راندن چند نفری که به داخل سالن ورودی رفته بودیم اثری خطر را کشیدند که همه را مجبور به خروج از ساختمان بکنند. این اتفاق به نفع ما تمام شد چرا که همه کسانی که در دانشگاه بودند بیرون آمدند و با اشتیاق کامل اطلاعیه های ما را خوانده و به سخنرانیها گوش میدادند. از کادرهای حزب در این زمینه سؤال میکردند و از اقدامان دفاع میکردند. در عین حال در سمت دیگر خیابان، مردم و دانشجویان ساختمان مقابل بیرون آمده بودند و به سخنرانیهای پرشور کادرهای حزب و شعارها گوش میدادند و این برگزارکنندگان جلسه را بشدت عصبانی کرده بود و برگزاری جلسه را کاملاً مختل کرده بود. تظاهرات حدود دو ساعت و نیم به طول انجامید.

**انترناسیونال: مهاجرانی در مصاحبه با بی بی سی گفته است که معترضین هویتی ندارند و حزب کمونیست کارگری چون حرفی برای گفتن ندارد به برهم زدن جلسات امثال ما که یک کار فرهنگی و معنوی انجام میدهم دست مینزند. و کمونیسم کهنه شده و به موزه تاریخ تعلق دارد. لطفاً در این مورد توضیح دهید.**

**کاظم نیکخواه:** همین مانده بود که مهاجرانی این را به ما بگوید! کسی که امروز یعنی در قرن بیست و یکم از وحشیانه ترین و پوسیده ترین قوانین و سنتهای کهنه عهد عتیقی که حتی در دوره خودش یعنی ۱۵۰۰ سال پیش هم جزو اندیشه ها و سنتهای عقب مانده بحساب می آمده، دفاع میکند، کسی که تمام آزادیخواهی و اصلاح طلبی اش این بوده که بگوید "اعدام و دار و سنگسار باید بجای اینکه در ملاء عام انجام شود در پشت دیوارها و در خفا انجام شود"، به ما که از آزادی بی قید شرط سیاسی و برابری و سوسیالیسم و جامعه سکولار و ریشه کردن استثمار سرمایه داری دفاع میکنیم میگوید اینها کهنه شده است و به موزه تعلق دارد!

راستش همه چیز این را تأیید میکند که اینها امروز هم همان "یاران مورد اعتماد" خمینی هستند و تنها اتفاقی که امروز برایشان افتاده اینست که دارند هزینه کل حکومت و سیستم نظری و اجتماعی و ایدئولوژیک خود را به عین می بینند و به جای اینکه بیدار شوند و خود را از لجنزار تحجر و توحش نجات دهند، به نوحه خوانی صوفیانه و خلسه عرفان اسلامی پناه برده اند. این به خودشان مربوط است اما کسیکه کارش بستن روزنامه ها و سیاستگزاری برای دستگاه کثیف "صدا و سیما" با آن شوهای انزجار آور ضد مردم و ضد روشنفکران و ضد نویسندگان و دانشجویان بوده و بیست و پنج سال صادقانه به یک ماشین خرافه و جهل و توحش و سنگسار و ترور در پستهای کلیدی خدمات داده، قطعاً آدم صالحی برای قضاوت در مورد اینکه چه ایده هایی به موزه تعلق دارد و ندارد نیست.

**انترناسیونال: در مورد هدف سیاسی مشخصتان از این تظاهرات صحبت کنید و آیا به آن رسیدید؟**

**شیوا محبوبی:** هدف سیاسی این تظاهرات در ادامه سیاست حزب کمونیست کارگری مبنی بر محاکمه سران رژیم جمهوری اسلامی و تنگ کردن عرصه بر جمهوری اسلامی در خارج کشور بود. ما همیشه گفته ایم که مقاصد و سران جمهوری اسلامی باید محاکمه شوند. اینها باید در دادگاههای علنی و مردمی جوابگوی جنایتهایی که کرده اند باشند. مهاجرانی یکی از مهره های اصلی رژیم بوده است. اینکه حالا به دلیل اختلافات جناحی در دستگاه رژیم نیست و به قول خودش دیگر به سیاست کاری ندارد و دارد زندگی شخصیش را میکند تفاوتی در اصل قضیه بوجود نمی آورد. مهاجرانی بنا به اسناد رسمی یکی از یاران مورد اعتماد خمینی و خامنه ای و خاتمی بوده است. او در راس "کمیته حمایت از انقلاب اسلامی در فلسطین" که نام دیگری برای سازمان دادن تروریستهای حزب الله و جهاد و حماس است قرار داشت. او بیست و چهار سال در پست های کلیدی و سیاستگزاری حکومت بوده است. در زمانی که مهاجرانی سر کار و تصمیم گیرنده بود، صدها هزار زن و مرد و کارگر و دانشجو و نویسنده دستگیر و شکنجه شدند و حتی اعدام شدند، زنان و مردان را در

گودالها تا سینه دفن کردند و سنگسارشان کردند. ایشان تازه وقتی که "اصلاح طلب" شده بود میگفت این اعدام ها را نباید در جلوی چشم مردم انجام داد. صدها دختر را به دلیل رعایت نکردن حجاب اسلامی دستگیر کردند و بعضاً ربودند. کم نیستند تعداد خانواده هایی که هنوز هم از سرنوشت فرزندانشان بیخبرند و از فرط ناامیدی با دلهره و هراس گورهای "خاوران" ها را میگردند تا شاید اثری از عزیزانشان بیابند. این تنها چند قلم از جنایاتی است که ایشان در آن سهیم بوده است. مهاجرانی نقش کلیدی در تشبیت پایه های رژیم اسلامی ایران و شرایطی که همین حالا مردم با آن دست به گریبان هستند داشته است. اگر این منطق درست باشد که او دیگر در مسند قدرت نیست و این جنایتهای مربوط به گذشته است پس در اینصورت بازماندگان کشته شدگان در شیلی نباید خواستار محاکمه پینوشه میبودند و یا کسانی را که در زمان هیتلر در جنایات نقش داشتند و اکنون هنوز زنده هستند را نباید به خاطر جنایاتشان محاکمه کرد. مگر ارتکاب جنایت تاریخ مصرف دارد که بعد از مدتی باطل شود؟ بیست و شش سال است که در ایران زن بودن جرم است، عاشق شدن و شادی کردن با شلاق و حبس و سنگسار روبرو است و جوانان را به جرم جوانی دستگیر و شکنجه میکنند. مهاجرانی نقش بزرگی در این جنایات داشته است. مهاجرانی حتی اگر ۵۰ سال قبل هم در جنایت علیه بشریت شرکت میداشت باید بالاخره محاکمه میشد.

مسئله دیگر اینست که مهاجرانی در هیچ جا به این جنایات اعتراف نکرده و از مردم پوزش نخواست است. این به این معنی است که او هنوز این جنایات را قبول دارد و اگر برایش امکان پذیر بود همین حالا هم در قدرت میماند و به این جنایات ادامه میداد. مهاجرانی و امثال مهاجرانی میخواهند با پنهان کردن دستهایشان که آغشته به خون مردم ایران است ادای فیلسوف و ادیب را در بیاورند و به عنوان یک شخصیت ادبی ظاهر شوند. سران جمهوری اسلامی در هر شکل و پست و منصبی هنوز جنایتکارند و باید جوابگو باشند.

ما در این تظاهرات در سطح وسیعی در افکار عمومی دنیا،

یکبار دیگر اهمیت محاکمه سران رژیم اسلامی ایران را تأکید کردیم و برای آن نیرو بسیج کردیم. همچنین به مهاجرانی و امثال مهاجرانی نشان دادیم که مردم جنایتهایشان را فراموش نکرده اند. طبعاً این اعتراضات به همین جا ختم نمیشود و در اشکال مختلف ادامه پیدا خواهد کرد.

**انترناسیونال: بی بی سی در همان گزارش با نغز عجیبی از کنفرانس برلین یاد کرده است. شما این نقش بی بی سی را چگونه توضیح میدهید؟**

**کاظم نیکخواه:** کم نیستند جریانها، نیروها، دولتها و افرادی که با شکست پروژه دوم خرداد آرزوهایشان را برپا رفته می بینند و به هرکس که علیه این پروژه یعنی پروژه اصلاح و نجات جمهوری اسلامی عمل کرده نفرین میفرستند. این نفرین بیش از همه نثار حزب کمونیست کارگری میشود چرا که به همراه عقب رانده شدن و شکست پروژه "اصلاح" رژیم اسلامی، ایده انقلاب و سرنگونی این حکومت هر روز بیشتر جلوی صحنه آمده است. و این حزب سمبل این انقلاب و آن شکست است. نام این حزب داغشان را تازه میکند. این حزب و تنها این حزب از همان ابتدا شکست پروژه اصلاحات و دوم خرداد را محتوم دانست. این حزب و تنها این حزب توهم پراکنی در مورد خاتمی و دوم خرداد را از همان ابتدا پوچ و فریبکارانه و دروغین نامید. این حزب علیه این توهم پراکنی ایستاد و بر ضرورت سرنگونی و انقلاب علیه حکومت اسلامی تأکید نهاد. اگر خطر انقلاب مردم و آن هم یک انقلاب چپگرایانه وجود نداشت سناریو تماماً طور دیگری میشد. اصلاً پروژه دوم خرداد مطرح نمیشد، همه این سینه چاکان اصلاحات و دوم خرداد به احتمال زیاد براحتی میتوانستند با جمهوری اسلامی کنار بیایند. جمهوری اسلامی هم میتوانست با آنها کنار بیاید. بی بی سی به دلایلی که فرصت بحثش اینجا نیست جزو این طیف دلسوختگان شکست دوم خرداد است و مدام جلویشان تریبون گذاشته است و هنوز هم میگردد. دوم خرداد در عمل از دوسو زیر ضرب قرار گرفت یکی از سوی چپ، مردم معترض و موضع سرنگونی طلبی، یکی هم از سوی جناح راست حکومت. این

## از صفحه ۲ گفتگو با کاظم نیکخواه و شیوا محبوبی

جماعت و جریانات و رسانه های مدافع دوم خرداد را اساسا پیشروی چپ است که نگران میکنند نه به قدرت رسیدن راست. حتی ترجیح میدهند تقصیر زندانی شدن گنجی و اشکوری و امثالهم را هم به گردن حزب کمونیست کارگری بیندازند! حتی يك كلمه از اینکه قبل از کنفرانس برلین هزیمت دوم خرداد با فتوای خامنه ای و بستن روزنامه ها و تهاجمات راست و عقب نشینی های دوم خردادیهای درون رژیم شروع شده بود، ذکری به میان نمی آوردند. این پیشروی چپ است که برایشان مساله است. تظاهرات علیه کنفرانس برلین سمبل عروج این نیروی چپ است و باید تخطئه اش کرد، وارونه جلوه اش داد، و علیه حزب کمونیست کارگری که سازمان دهند این حرکت بود، دست به سمپاشی زد. از این حرفها این چند سال زیاد زدند و هرچه بیشتر گفتند مردم بیشتر متوجه حزبی شدند که جنبش سرنگونی طلبی و انقلابی مردم علیه جمهوری اسلامی را از همان آغاز بدون هیچ تردید و تزلزلی نمایندگی و هدایت کرده است.

**انترناسیونال: این اعتراض توسط چه رسانه هایی و چگونه منعکس شد؟**  
**شیوا محبوبی:** ما سعی کردیم خبر این تظاهرات و متعاقبا گزارش برگزاری آن را به تعداد زیادی از رسانه ها اطلاع دهیم. گزارش این تظاهرات توسط برخی از سایتهای اینترنتی داخل ایران درج شد. همچنین ما با رادیو فردا هم تماس گرفتیم که این تظاهرات را اعلام کند اما آنها با این توجیه که مهاجرانی دیگر سرکار نیست از اعلام تظاهرات و تهیه گزارش خودداری کردند. اما بعد در خلال تظاهرات و بعد از مطلع شدن از چگونگی برگزاری آن با کاظم نیکخواه، دبیر تشکیلات خارج کشور حزب، در این رابطه مصاحبه کرده و گزارش تظاهرات را منعکس کردند. رادیو بی بی سی هم گزارش تظاهرات را البته با موضع علیه حزب و طرفداری از مهاجرانی همراه با مصاحبه ای با مهاجرانی منعکس نمود. سایتها اینترنتی مثل "بازتاب" هم آنرا منعکس کردند. بعضی گروههای سیاسی حاشیه ای و سایتهاشان هم کودکان سرشان را زیر برف کردند و بدون

اینکه از حزب کمونیست کارگری نام ببرند از تظاهرات صدها نفر از ایرانیان در لندن گزارش دادند! طبعاً در این میان تلویزیون و رادیو انترناسیونال نقش بسزایی در بسیج نیرو برای این تظاهرات و انعکاس گزارش آن داشتند که همینجا لازم میدانم از تک تک دست اندکاران این دو رسانه تشکر کنم.

**انترناسیونال: سران رژیم اسلامی در خارج همیشه با اعتراض سازمان یافته و قدرتمند تشکیلات خارج حزب مواجه میشوند. اگر ممکن است تعدادی از مهمترین اعتراضات سالهای اخیر را با خوانندگان انترناسیونال در میان بگذارید.**

**کاظم نیکخواه:** تشکیلات خارج کشور حزب همیشه اعلام کرده است که علیه عرض اندام سران و وابستگان جمهوری اسلامی می ایستند، اعتراض میکند و مردم را علیه شان به خیابان میکشانند. ما افتخار میکنیم که نگذاشتیم کاربدستان قدیم و فعلی جمهوری اسلامی بتوانند پایشان را از لانه هایشان بیرون بگذارند و فضا را در خارج کشور هم بر مخالفین حکومت و مردم گریخته از جهنم اسلامی تنگ کنند. نمونه ها زیادند. توالی تاریخی را بیاد نمی آورم اما میتوان در این رابطه به تظاهرات وسیعی علیه حضور خاتمی در آلمان اشاره کرد که مجبور شدند او را با هلیکوپتر این ور و آن ور ببرند. تظاهرات علیه سخنرانی خرازی در لندن دو سه سال پیش که رسانه های پرتیراژ خارج و داخل ایران از آن گزارشهای مفصل پخش کردند. اعتراض علیه سخنرانی سروش که یکی از سیاستگزاران انقلاب خونین فرهنگی در دانشگاههای ایران بود و در نتیجه این اعتراض جلسه حضور و سخنرانی همین آقای مهاجرانی در "کانون توحید" لندن زمانی که ایشان وزیر ارشاد اسلامی بود و صدای شعار دادن صدها نفر در بیرون سالن، سخنرانی اسلامی ایشان را با اختلال مواجه کرده بود و این تظاهرات هم توسط رسانه های متعددی گزارش شد. اعتراض و تظاهرات علیه حضور فائزه رفسنجانی در هلند که این تظاهرات

نیز انعکاس بین المللی وسیعی پیدا کرد. و نمونه های بسیار زیاد دیگری از تظاهرات و اعتراضات دیگر. نکته قابل ذکر اینست که همه اینها در طیف دوم خرداد قرار میگیرند. زیرا در خارج کشور این چند ساله فقط به مقامات این طیف تریبون داده اند. معلوم است اگر امثال خامنه ای و رفسنجانی و سردار صفوی و طلائی و امثال این جانوران جرات میکردند پایشان را بیرون بگذارند چه بلایی سرشان می آوردیم!

**انترناسیونال: بی بی سی در همان گزارش با این توجیه که چون الان مهاجرانی دیگر وزیر ارشاد نیست نقش وکیل مدافع مهاجرانی را بازی کرده است. و به نحوی با این توجیه به تبلیغ علیه اعتراض حزب دست زده است. لطفاً در این مورد توضیح دهید.**

**شیوا محبوبی:** کار بی بی سی توجیه کردن جنایات کسانی مثل مهاجرانیست و انتظار بیشتری هم نیست. بی بی سی قرار نیست که مدافع کمونیستها باشد. این وکیل مدافع بودن در شرایط کنونی که چپ بشدت در ایران قوی است برای بی بی سی به عنوان يك رسانه بورژوازی حیاتی است. چند بار بی بی سی گزارش واقعی از وضعیت ایران، جنایات رژیم، اعتصابات و اعتراضات کارگری و سایر افشار جامعه، تظاهراتهای ۱۶ آذر و ۸ مارس و شعارهایش را درج کرده است که حالا گزارش تظاهرات حزب کمونیست کارگری بر علیه حضور مهاجرانی را بدون هیچ غل و غشی منعکس کند؟ ما انتظاری از بی بی سی نداریم که به نفع ما گزارش دهد. الان هم اینها ناچار شده اند توطئه سکوت علیه حزب را بشکنند و طبعاً با چاشنی تخطئه. بهرحال ما سیاستمان را در قبال سران حکومت اعلام کرده ایم و در همین اعلامیه های مربوط به این تظاهرات هم تاکید کرده ایم که اینها "تا زمانی که از مردم معزرت نخواسته اند، تا زمانیکه پرونده جنایاتشان را در برابر مردم نگشوده اند، تا زمانی که تکلیف جنایاتشان روشن نشده از نظر حزب کمونیست کارگری و مردم بجان آمده تحت تعقیبند و خود را در مقابل ما خواهند دید".

**انترناسیونال: اعتراضات حزب علیه حضور سران رژیم اسلامی در خارج**

**از ایران چه ربطی به جنبش اعتراضی مردم در ایران دارد؟**

**کاظم نیکخواه:** دنیا در عصر اینترنت آقدر پیوسته و کوچک شده است که انسان احساس میکند این کلمات "داخل" و "خارج" به دوره تاریخی دیگری تعلق دارد. بویژه وقتی که از تشکیلات خارج کشور حزبی حرف میزنیم که موجودیت بارز داخل کشوری برجسته تر از خارج کشور است دیگر انسان اصلا احساس نمیکند که مرزی بین مبارزات کارگران، دانشجویان، زنان، جوانان در داخل با تظاهرات علیه سران رژیم در لندن و برلین و استکهلم و تورونتو وجود دارد. مطمئن باشید اگر جمهوری اسلامی امکان پیدا میکرد در خارج کشور فضا را دست خودش بگیرد، اگر دولتها و جریانات راست امکان پیدا میکردند به اینها در خارج کشور تریبون بدهند، وضعیت رژیم در ایران اساساً به گونه دیگری بود. در آن صورت معلوم نبود اینها چه بلایی به سر جنبش اعتراضی مردم در ایران می آوردند. تازه ما اینجا داریم فقط از فعالیتهای گسترده علیه حضور سران رژیم صحبت میکنیم. میدانید که حزب کمونیست کارگری کمپین های گسترده دیگری نیز علیه جمهوری اسلامی در خارج کشور داشته است که بعضاً همزمان در داخل و خارج بطور پیوسته پیش رفته است. مثل کمپین برجسته و موفق دفاع از کارگران اعتصابی نفت در سال ۹۷ و همین کمپینهای یکی دو سال گذشته تا کنون مثل کمپین آزادی فعال کارگری در سقز محمود صالحی و کمپین گسترده دفاع از فعالین اول مه سقز و دفاع از کارگران نساجی کردستان که همه اینها به طور مشخص به عقب نشینی جمهوری اسلامی در برابر خواستهای کارگران و آزادی دستگیر شدگان انجامید و نقطه عطفی بود در جنبش کارگری و اعتراضی در ایران. این مبارزات جزئی از کل مبارزه مردم ایران علیه جمهوری اسلامی است و یکی بدون دیگری قابل تصور نیست. ما افتخار آزادبخوایی و سرنگونی طلبی کارگران و مردم ایران را به گوش جهانیان میرسانیم و جبهه گسترده ای را علیه این حکومت در همه جای جهان گشوده ایم و نگذاشته ایم رسانه های دولتی و بلندگوهای دست راستی، این رژیم را حاصل

عقب ماندگی فرهنگی مردم ایران معرفی کنند و با دست باز از آن حمایت کنند.

**انترناسیونال: پیامتان به پناهندگان و مهاجرین ایرانی در خارج از کشور چیست؟**

**کاظم نیکخواه:** پیام من به میلیونها نفر از مردمی که از جهنم اسلامی فرار کرده اند و به کشورهای دیگر پناه برده اند، در يك جمله اینست که شما نقش مهمی در خلاصی جامعه ایران از شر بختک اسلامی سرمایه داران میتوانید داشته باشید. این مبارزه به دخالت فعال تک تک شما نیاز دارد و در شرایطی که این امکان بوجود آمده است که بتوان جامعه ای انسانی و آزاد و مرفه را پایه گذاری کرد، بیایید و به هر شکل که میتوانید صف آزادی و برابری را فعالانه تقویت کنید.

**شیوا محبوبی:** پیام من به این دوستان اینست که مسئله حضور سران رژیم در خارج کشور را باید خیلی جدی گرفت. صرف حضور این اشخاص در خارج کشور شرایط زندگی همه ما را که از دست این رژیم و سرانش ایران را ترک کرده ایم ناامن میکند. نباید یادمان برود که اینها هنوز نیروهای بالقوه رژیم اسلامی هستند. از طرفی واقعیت اینست که اکثریت قریب به اتفاق این دوستان از دست رژیم جمهوری اسلامی و از دست جهنمی که این رژیم و سرانش از جمله مهاجرانی برایشان بوجود آورده بود به این کشورها پناه آورده اند. حتی کسانی که شخصاً مورد شکنجه قرار نگرفته اند و زندانی نشده اند به خاطر سر کار بودن این رژیم سالها خود و فرزندانشان آوارگی و تحقیر و محرومیت کشیده اند. سران جمهوری اسلامی مسئول همه این بدبختیها هستند به همین دلیل باید هرچه پرقدرتتر در این اعتراضات شرکت کرده و به کمپینهای حزب کمونیست کارگری ایران پیوندند و برای به محاکمه کشاندن سران جمهوری اسلامی تلاش کنند. باید نشان داد که حتی در خارج کشور هم آنها از محاکمه و جوابگویی به مردم مصون نیستند و نخواهند بود. باید این مبارزه را فعالانه تقویت کرد و از برای سرنگونی جمهوری اسلامی یاری رساند. \*

## سال ۸۳ سال سوسیالیسم بود! پیام حمید تقوائی به مناسبت فرا رسیدن سال نو

### مردم آزاده ایران!

فرا رسیدن سال نو را به همه شما صمیمانه تبریک می‌گویم. سال گذشته سال پیشروی مبارزه و اعتراضات شما کارگران و زنان و جوانان و مردم آزادیخواه در همه عرصه‌ها بود. سال ۸۳ سال برافراشتن پرچم "نان و آزادی برای همه" در ۱۶ آذر بود، سال دفاع از حقوق کودک و برپائی فستیوال کودکان در ده‌ها شهر، و سال جشن خیابانی "شام غربیان" در تهران بود. سالی که گذشت سال بمیدان آمدن تشکلهای فعالین جنبش کارگری، سال پیروزی کمپین آزاد سازی فعالین اول مه سقز، و سال اعتصاب پیروزمند کارگران نساجی سنندج بود. سال گذشته سال متوقف کردن احکام اعدام و سنگسار، سال حاجیه اسماعیلوندها و افسانه نوروزی‌ها، و سال بزرگداشت وسیع روز جهانی زن بود. سال ۸۳ بعنوان یک سال استثنائی در تاریخ مبارزات آزادیخواهانه و برابری طلبانه شما مردم ثبت خواهد شد.

سال ۸۳ همچنین سال چپ، سال گسترش نفوذ و مقبولیت شعارها و سیاستها و آلترناتیو چپ در کل جامعه بود. سال گسترش سریع محبوبیت تلویزیون انترناسیونال، سال کانال جدیدیها و کنفرانس

### از صفحه ۱ ستون اول

بوروژازی ایران بدون اختناق و دیکتاتوری امرش نمیگذرد، اگر میگذشت کارنامه صد ساله اش اختناق شاهنشاهی و اسلامی نبود. حمله پیشگیرانه و رژیم پنج و انقلاب مخملی دست پخت آمریکا نیز راه حل نیست. اگر بود عراق و افغانستان به این حال و روز نمی افتادند. حکومت ضد انسانی اسلامی تمام آن چیزی است که بورژوازی بومی و جهانی میتوانستند به مردم ایران عرضه کنند. حکومتی که برای بشکست کشاندن انقلاب ۵۷ روی کار آوردند و مستقیم و غیر مستقیم در مقابل اعتراضات و مبارزات مردم پاسداری کردند. و امروز نیز بدیل بهتری ندارند.

جمهوری اسلامی ارتجاعی ترین و عقب مانده ترین حکومت عصر ماست، اما توحش و ارتجاع سرمایه

## سال ۸۴ سال آزادی و برابری! پیام آذر ماجدی بمناسبت فرا رسیدن سال سال نو

### مردم آزاده!

سال نو را به همه شما عزیزان صمیمانه تبریک می‌گویم. امیدوارم که سالی شاد، موفق و پیروز داشته باشیم.

سال ۸۳ برای بسیاری از ما سالی سخت و پر مشقت بود. برای مایی که ماه‌ها حقوق دریافت نکردیم و برای دریافت این حق پایه ای مان مجبور به اعتصاب و اعتراض شدیم. برای مایی که با این حقوق‌های زیر خط فقر بار سنگین تامین خانواده را با سختی و مشقت بدوش کشیدیم. برای ۱۰ میلیون جوانی که با بیکاری دسته و پنجه نرم کردند. برای بازماندگان زلزله بم، برای قربانیان زلزله زرد، برای انسان‌هایی که از روی عجز و استیصال به اعتیاد کشیده شدند، برای کسانی که برای گذران زندگی مجبور به تن فروشی و فروش ارگان‌های بدن شان بودند. برای دختران جوانی که به رسم دوران برده داری در میادین شهر شیخ نشین‌ها به حراج گذاشته شدند، برای میلیون‌ها انسانی که از صبح تا شام با بار زندگی سخت، با اختناق، با حجاب اسلامی، آپارتاید جنسی، حکومت اسلامی، خرافه و تحمیق و سرکوب دسته و پنجه نرم کردند.

اما سال ۸۳ فقط سال فقر و فلاکت بیشتر، سال اختناق و سرکوب نبود. سال ۸۳ در عین حال سال تحرک وسیع و عظیم شما انسان‌های آزاده و مبارز نیز بود. حرکت‌های وسیع اعتراضی مردم، کارگران، پرستاران، معلمان، جوانان، زنان، پشت رژیم اسلامی را به لرزه درآورد. روزی نبود که جمهوری اسلامی با اعتراض، اعتصاب و تعرضی از طرف مردم و جنبش برای آزادی و برابری مواجه نشود. از درگیری‌های روزمره زنان بر سر حجاب با مامورین رژیم، اعتصابات هر روزه کارگری، تجمعات معلمان و پرستاران، تا برگزاری موفقیت آمیز آزادیخواه و برابری طلبی باید سوسیالیست باشد. سوسیالیسم دوی درد دنیائی است که در چنگال تروریسم دولتی آمریکا و تروریسم اسلامی بخود می‌پیچد و راهی برای رهایی میجوید. بشریت متمدن تنها میتواند با پرچم سوسیالیسم قد راست کند و در برابر هر دوقطب

تروریسم جهانی بایستد. و ایران جمهوری اسلامی می‌رود که به اولین نبردگاه این مصادف جهانی بدل شود. انقلاب ایران انقلاب مدنیت و مدرنیسم و شادی و برابری و رهایی، انقلاب کنفرانس برلینی‌ها و کانال جدیدیها، انقلاب کمونیسم کارگری، علیه توحش و ارتجاع و درد و



۱۶ آذر، فستیوال آدم برفی‌ها در دفاع از حقوق کودک در شهرهای کردستان، کارناوال شام غربیان، ۸ مارس، پیروزی تحصن کارگران سنندج و بالاخره جشن چهارشنبه سوری که تمامی کشور را دربرگرفت و علیرغم بسیج فشرده ارتش سرکوب، نیروهای انتظامی را فلج کرد. این رویدادها چهره جامعه را بکلی دگرگون کرد، توازن قوای میان مردم و رژیم را تغییر داد، ناتوانی جمهوری اسلامی در سرکوب جنبش انقلاب مردم را آشکار کرد، داد و فغان از خاتمی و رفسنجانی، خامنه‌ای و سردار طلائی برآورد.

سال ۸۳ سال شعار "سوسیالیسم بپا خیز برای رفع تبعیض" و "سوسیالیسم امر ماست، راه رهایی ماست" نیز بود. سال اعلام صریح و مکرر خواست آزادی و برابری و نان و آزادی برای همه نیز بود. در این سال صفبندی روشنی در جنبش اعتراضی مردم شکل گرفت: روی آوری هر چه بیشتر جامعه به چپ. مردم خواست عمیق خود برای دستیابی به آزادی و برابری، به رفاه و شکوفایی و برای یک دنیای بهتر را با زبانی صریح بیان کردند. خواست زنده باد آزادی زن بر در دیوارها نقش یافت. طومارهای کارگری برای دفاع از تشکل و برای تعیین حداقل دستمزد در جامعه راه یافت. کمیته‌های همبستگی میان مردم شکل گرفت. به یمن مبارزه همه ما آزادیخواهان افسانه نوروزی آزاد شد، حکم اعدام شهلا جاهد و سنگسار حاجیه اسماعیل و نند متوقف شد. سال ۸۳ آزمونی مهم برای جنبش همبستگی مردم آزادیخواه بود. جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برای آزادی و برابری پخته تر، تعیین یافته تر با به صحنه گذاشت، قدمها بجلو برداشت و سنگرهای مهمی را فتح کرد.

سال ۸۳ سال شعار "سوسیالیسم بپا خیز برای رفع تبعیض" و "سوسیالیسم امر ماست، راه رهایی ماست" نیز بود. سال اعلام صریح و مکرر خواست آزادی و برابری و نان و آزادی برای همه نیز بود. در این سال صفبندی روشنی در جنبش اعتراضی مردم شکل گرفت: روی آوری هر چه بیشتر جامعه به چپ. مردم خواست عمیق خود برای دستیابی به آزادی و برابری، به رفاه و شکوفایی و برای یک دنیای بهتر را با زبانی صریح بیان کردند. خواست زنده باد آزادی زن بر در دیوارها نقش یافت. طومارهای کارگری برای دفاع از تشکل و برای تعیین حداقل دستمزد در جامعه راه یافت. کمیته‌های همبستگی میان مردم شکل گرفت. به یمن مبارزه همه ما آزادیخواهان افسانه نوروزی آزاد شد، حکم اعدام شهلا جاهد و سنگسار حاجیه اسماعیل و نند متوقف شد. سال ۸۳ آزمونی مهم برای جنبش همبستگی مردم آزادیخواه بود. جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برای آزادی و برابری پخته تر، تعیین یافته تر با به صحنه گذاشت، قدمها بجلو برداشت و سنگرهای مهمی را فتح کرد.

### آذر ماجدی

رئیس دفتر سیاسی

حزب کمونیست کارگری

۲۷ اسفند ۱۳۸۳ - ۱۷ مارس

تبعیض و اسارت سرمایه داری افسار گسیخته جهان ما خواهد بود. شعارهای سوسیالیستی که امروز در ایران جوانه زده است و در انقلاب فردا شکوفا خواهد شد، نوید بخش رهایی جهان ما از چنگال نظم نوین سرمایه داری جهانی است. زنده باید سوسیالیسم! \*

## جنبش کارگری در سال ۸۳ گامها به پیش گذاشت!

شهلا دانشفر



سال ۸۳ سال پر جنب و جوشی بود. در سال ۸۳ ما شاهد حال و هوای جدیدی در جنبش کارگری در ایران بودیم. مبارزات کارگران در سال ۸۳ به لحاظ اشکال اعتراضات، طرح مطالبات، اشکال سازمانیابی و همبستگی و اتحاد کارگری شکل تعرضی تر و رادیکالتری بخود گرفته و بیش از هر چیز نشانگر رشد گرایش چپ و رادیکال در راس اعتراضات کارگری و در کل جامعه بود.

در همان آغاز سال گذشته، ده روز کمپین و اعتراض برای آزادی دستگیر شدگان اول مه در سقز که یک سر این کمپین در سقز و سر دیگر آن در اقصاء نقاط جهان در استرالیا و آمریکا بود، به پیروزی رسید. کارگران دستگیر شده اول مه در میان جشن و شادی مردم شهر سقز از زندان آزاد شدند و این پیروزی توازن قوای جدیدی از مبارزه کارگران و مردم با رژیم را به نمایش گذاشت. همچنین بیش از یکماه اعتصاب کارگران نساجی کردستان و پایان موفقیت آمیز آن، بر فضای سیاسی شهر سنندج و در میان کارگران در سراسر ایران تاثیر زیادی داشت و توانست فصل جدیدی در مقابل جنبش کارگری در ایران بگشاید. کارگران در این حرکت اعتراضی با خواست حقوق ایام اعتصاب، با تشکیل کمیته اعتصاب و ایجاد صندوق همبستگی مالی، با نوشتن نامه خطاب به مردم و کل جامعه و به نهادهای بین المللی کارگری اشکال رادیکالتر و پیشرفته ای از حرکت و اعتراض را به نمایش گذاشتند و طرح خواست حقوق ایام اعتصاب و عقب نشینی دولت، دوفاکتو مساله حق اعتصاب را به کارفرمایان و دولت تحمیل کرد و این یک پیشروی بزرگ برای جنبش کارگری بود. مهمترین اینکه در این حرکت اعتراضی تلویزیون کانال جدید و تبلیغات حزب کمونیست کارگری ایران توانست بر فضای شهر سنندج و بر اعتراض روز به روز کارگران

نساجی کردستان و بر جلب حمایت و پشتیبانی وسیع در میان کارگران از این اعتراضات تاثیر بگذارد و بعد از آن در حرکات اعتراضی دیگری در چندین مرکز کارگری دیگر شنیده میشد که کارگران میگویند، میخواهیم حزب به ما رهنمود دهد و میخواهیم اینجا را هم به نساجی کردستان تبدیل کنیم. در واقع اعتصاب کارگران نساجی کردستان و نقش حزب در آن، سرآغاز رابطه جدیدی بین حزب و جنبش اعتراضی کارگری بود. در این حرکت اعتراضی برای اولین بار علنا و آشکارا در میز مذاکره با کارگران از اینکه چرا اخبار اعتراضات کارگران در سایتهای حزب کمونیست کارگری منعکس میشود صحبت شد و کارگران با اعتماد به نفس ایستادند و گفتند حقوقمان را بدهیم تا چنین نشود.

در واقع در سال گذشته برای اولین بار در تاریخ، جنبش کارگری در ایران توانست به ابزاری دست یابد که اخبار اعتراضاتش در آن منعکس میشود و صدای اعتراض در سطح جامعه و در سطح جهانی منعکس میگردد. نفس وجود تلویزیون کانال جدید مولفه جدیدی بود که وارد معادلات و توازن قوای سیاسی جامعه در مبارزات کارگران و در اعتراضات موجود در سطح جامعه شد. از جمله نقش این تلویزیون بود که کارگری از کاشی اصفهان با آن تماس گرفت و از اینکه این کانال خواستها و مطالبات کارگران را منعکس میکند و سخنگوی کارگران است ابراز خوشحالی کرد و به ضرورت جلو افتادن تلویزیون و نقش هماهنگ کننده آن برای رهبری اعتراضات کارگری و متحد کردن کارگران اشاره داشت. همچنین وقتی کارگران کاشی اصفهان توانستند خواست سه ماه حقوق در ازای هر سال سابقه کار را برای امر بازنشستگی به دولت بقبولانند، این زمزمه بلند شد که این عقب نشینی بدنبال کمپین فشرده حزب بر سر این

موضوع در تلویزیون کانال جدید بوده است. اینها همه نمونه های قابل توجهی از موقعیت جدید حزب در جنبش اعتراضی کارگران و دیگر بخش های جامعه بود. تلویزیون کانال جدید خطاب به کارگران نساجی و پرستاران و غیره برنامه زنده داشت و خود تلویزیون بعنوان یک پدیده کاملا جدید بر فضای ملتهب امروز جامعه تاثیر گذاشت و معادلات را تغییر داد.

در هر حال با توجه به همه این مولفه ها اگر امروز ما نگاهی به اعتراضات کارگری در سال ۸۳ بیندازیم، میبینیم که مبارزات کارگران در این سال از جنبه های متفاوتی نسبت به مبارزات کارگری در سالهای گذشته متمایز است. تمایزاتی که خود حال و هوایی جدیدی در جنبش کارگری بوجود آورده است. این تمایزات کدامند:

### خواستها و مطالبات

یک جنبه برجسته اعتراضات کارگری در سال گذشته رادیکالیسم آن در بیان مطالباتش بود. در سال گذشته ما شاهد این بودیم که وقتی کارگر از حقوق و دستمزدش صحبت میکند، مقایسه او نه خط فقر اعلام شده از سوی دولت است، بلکه سطح حقوق و مزایایی است که به جیب کارفرما میرود. در کارخانه پارس مینو کارگران دقیقا با همین مقایسه به سطح نازل دستمزدهایشان معترض بودند و خواهان افزایش حقوقهایشان شدند. در کارخانه نساجی فومنات کارگران ضمن افشای قراردادی پنهان میان مدیریت و مدیر عامل کارخانه به پرداخت ۳ میلیون به مدیر عامل و درصدی از سهام کارخانه اعتراض کرده و اعلام کردند که چرا کارفرما حقوق کلانی میگیرد و کارگران ماهها دستمزدی دریافت نمیکند. نمونه دیگر رشد رادیکالیسم کارگران در بیان مطالباتشان، خواست تشکلی واقعی کارگری و اعتراض به مامشات سازمان جهانی کار با جمهوری اسلامی در شکل

ایجاد کمیته پیگیری تشکلی آزاد کارگری با چند هزار امضاء بود. در همین رابطه به طومار اعتراضی کارگران با خواست ۴۵۰۰۰۰ تومان حداقل دستمزد را نیز میتوان اشاره کرد. همچنین خواست حقوق ایام اعتصاب از سوی کارگران نساجی کردستان و عقب نشینی دولت و کارفرما، گام مهم دیگری بود در جنبش کارگری در جهت مبارزه برای تشبیت حق اعتصاب. همه این شواهد نشانه هایسیست از رشد رادیکالیسم کارگران در بیان خواستها و مطالباتشان در سال ۸۳. بنابراین در سال گذشته اگر چه مبارزه علیه استخدام های قراردادی، مبارزه علیه بیکارسازیها و مبارزه علیه دستمزدهای پرداخت نشده هنوز محور های اصلی مبارزات کارگران را تشکیل میداد، اما حرکتی چون جنب و جوش حول خواست تشکلی واقعی کارگری و خواست افزایش حداقل دستمزدها، حرکتی است حول دو خواست کلیدی و سراسری که بیش از هر چیز فضای سیاسی امروز جنبش کارگری و جنبش اعتراضی در ایران را بیان میکند. بعلاوه گزارشات نشان میدهد که حتی در همان مبارزات هر روزه کارگران علیه دستمزدهای پرداخت نشده و یا اخراجها، خواسته های کارگران فراتر رفته و کارگران با روحیه تعرضی تری بر روی خواسته هایشان پافشاری میکنند. از جمله کارخانه را تحت کنترل در میاورند، اولتیماتوم میدهند و وقتی هم مورد تعرض قرار میگیرند در مقابل آن می ایستند و کوتاه نمی آیند. این فضای عمومی مبارزات کارگری در سال ۸۳ و در شرایط امروز است و از همین رو امروز در موارد بسیاری از این اعتراضات، ما شاهد عقب نشینی کارفرما و دولت در برابر مبارزات و پافشاری کارگران بر روی خواستها و مطالباتشان هستیم.

### اشکال مبارزات

امروز در جنبش کارگری در ایران

اعتصاب، راهپیمایی، و اولتیماتوم دادن به اشکال معمول اعتراضات کارگران تبدیل شده است. برای مثال در همین اسفند ماه، ما شاهد کنترل یک هفته ای کارخانه توسط کارگران فیلور و عقب نشینی مدیریت در برابر فشار اعتراضات آنها بودیم. اعتصابات طولانی مدت یکماهه و حتی طولانی تر، نظیر بیش از یکماه اعتصاب در معدن ذغال سنگ البرز غربی در سنگرد گیلان و نساجی کردستان، راهپیمایی کارگران پارس ایران و کارگران کشت و صنعت دشت مغان و جاده بستن ها، بریایی تحصن و پیکت های اعتراضی در مقابل مراجع دولتی همه و همه نمونه های برجسته ای از اعتراضات کارگران در سال ۸۳ بود که منجر به کشیده شدن اخبار این اعتراضات در صدر خبرهای روزنامه ها و رسانه های دولتی شد. همچنین همانطور که بالاتر اشاره شد، در سال ۸۳ و همین امروز ما شاهد حرکات اعتراضی فراکارخانه ای و سراسری حول خواسته های سراسری حق تشکلی و افزایش حداقل دستمزدها هستیم. دو نمونه طومار اعتراضی از سوی کمیته پیگیری ایجاد تشکلی های آزاد کارگری با چند هزار امضاء، خطاب به سازمانهای بین المللی کارگری و آی ال او، در اعتراض به مامشات (ILO) سازمان جهانی کار با جمهوری اسلامی و در اعتراض به استخدام های قراردادی و با خواست تشکلی واقعی کارگران در ایران و همچنین طومار اعتراضی کارگران در ایران در اعتراض به سطح نازل دستمزدها و خواست حداقل ۴۵۰۰۰۰ تومان دستمزد، دو نمونه برجسته و مهم اعتراضی سراسری و فراکارخانه ایست که از سوی رهبران و فعالین کارگری در سطحی سراسری شکل گرفته اند.

## از صفحه ۵ جنبش کارگری در سال ۸۳ ...

این اعتراضات طلایه های جدیدی از وارد شدن جنبش کارگری به عرصه های گسترده و سراسری مبارزه در شرایط سیاسی امروز است.

## سازمانیافتگی مبارزات

یک وجه بسیار برجسته مبارزات کارگری در سال گذشته سازمانیافتگی این مبارزات بود. نقش مجمع عمومی منظم کارگری در اعتصاب کارگران نساجی کردستان و مجامع عمومی در مبارزات هر روزه کارگران، تشکیل کمیته اعتصاب در نساجی کردستان، تشکیل صندوق های همبستگی مالی در میان کارگران کشت و صنعت مغان و کارگران نساجی کردستان و تشکیل کمیته پیگیری تشکل آزاد کارگری اینها همه شکل های پیشرفته تر و سازمانیافته تر پیشبرد اعتراضات کارگری در سال گذشته است. نکته مهمتر اینکه پیشبرد اعتصابات طولانی مدت خود نشان دهنده درجه

بالایی از سازمانیافتگی این مبارزات است. پشت این اعتراضات میتوان نقش رهبران و فعالین چپ و رادیکال را دید که این اعتراضات را قدم به قدم به پیش میبرند. از جمله در این اعتراضات ما شاهد آنیم که کارگران بطور منظم مجمع عمومی تشکیل میدهند، در این مجامع نمایندگان خود را انتخاب میکنند، نمایندگان خود را برای مذاکره با دولت و کارفرما تحمیل میکنند، قطعنامه میدهند، و غیره. و در واقع ما امروز در یک قدمی تبدیل مجامع عمومی کارگری به مجامع عمومی منظم کارگری قرار داریم.

حمایت ها و همبستگی های یک وجه دیگر و قابل توجه در مبارزات کارگری در سال ۸۳ حمایتها و پشتیبانی هاست. امروز ما در مبارزات کارگری اشکال پیشرفته تری از همبستگی و اتحاد کارگری را شاهدیم. پیامهای همبستگی و حمایت از مبارزات کارگران در بخش های مختلف، دادن قطعنامه

و بیانیه و انعکاس اخبار کارگران در سطح جامعه و حتی بین المللی بیش از پیش دارد به سنت های رایج جنبش کارگری تبدیل میشود و اتخاذ چنین اشکالی از مبارزه باعث شده که امروز مبارزه کارگران بیش از هر وقت به صحنه سیاسی جامعه کشیده شود.

ده روز کمپین و اعتراض برای آزادی دستگیر شدگان اول مه در سقز و موفقیت این کمپین و آزادی کارگران دستگیر شده در میان جشن و شادی مردم شهر سقز، یک نمونه برجسته این همبستگی بین المللی کارگری بود. نمونه دیگر آن تقدیم موزیک Life is Life از سوی کارگران نساجی شاهو در سنندج به کارگران نساجی کردستان و در حمایت از مبارزاتشان بود. این حرکت نمونه ای از حال و هوایی جدید در جنبش کارگری و سنتی رادیکال و مدرن است که حتی امروز در اروپا نیز نظیر آنرا کم میتوان دید. این حرکت نشان دهنده پا به صحنه گذاشتن نسل جدیدی از رهبران کارگری است که چپ است،

رادیکال است، مدرن است و با سنتهای جدیدی مبارزه میکند.

از نمونه های دیگر این همبستگی ها میتوان موارد زیر را برشمرد:

- صعود جمع هایی از کارگران به بلندیهای کلون بستک در حمایت از کارگران معدن مس خاتون آباد، در سالروز حمله به صف تظاهرات کارگران این معدن و کشتار ۴ تن از این کارگران در شهر بابک

- حمایت جمع هایی از کارگران ایران خودرو از همکاران اخراجی خود و نامه اعتراضی آنها به نهادهای بین المللی و موفقیت آنها در بازگرداندن کارگران اخراجی بسر کارشان و همینطور حمایت آنها از کارگران نساجی فومنات، در اعتراض به سرکوب آنان

- قطعنامه کارگران در اول مه که یک بند آن به حمایت از کارگران خاتون آباد اختصاص داشت

- پیام همبستگی کارگران نساجی در تجمع اعتراضیشان در اول مه در حمایت از اعتصاب معلمان

- تجمع اعتراضی کارگران نساجی در کاشان و پیوستن جوانان شهر به صف اعتراض آنان

- یکماه اعتصاب و تحصن کارگران نساجی سنندج و حمایت وسیع مردم این شهر از اعتراض آنان اینها گوشه هایی و در عین حال نمونه های برجسته ای از همبستگی و اتحاد کارگری و پیشروی جنبش کارگری در شرایط کنونی است.

اینها همه مولفه هایست که در مبارزات کارگری در سال ۸۳ میتوان آنها را به روشنی دید. اینها همه نشان دهنده این واقعیت است که امروز اعتراضات کارگری در ایران در متن اوضاع پر التهاب جامعه بیش از هر وقت روندی رو به رشد دارد و این اعتراضات هر روز در اشکال سیاسی تر و تعرضی تری دارد خود را بیان میکند.

در سال ۸۳ حدود ۴۰۰ خبر و گزارش از اعتراضات کارگری بدست ما رسید که این گزارشات گوشه کوچکی از جنب و جوش اعتراضی کنونی در جنبش کارگری در ایران را به نمایش میگذارد. \*

## انعکاس تظاهرات حزب کمونیست کارگری علیه مهاجرانی در بی بی سی

20:16 گرینویچ

سه شنبه 15 مارس 2005

## تشنج در سخنرانی مهاجرانی در لندن

غروب دوشنبه گروهی از مخالفان کمونیست جمهوری اسلامی در حمله به یکی از بخش های دانشگاه لندن کوشیدند تا مانع از سخنرانی عطاالله مهاجرانی شوند و گرچه آن را برای ساعتی به تاخیر انداختند اما سرانجام سخنرانی ایراد شد.

یک گروه مخالف جمهوری اسلامی موسوم به "حزب کمونیست کارگری" دو روز قبل از برگزاری جلسه سخنرانی وزیر سابق فرهنگ

و ارشاد اسلامی ایران، در اعلامیه ای در سایت خود از هوادارانشان خواسته بودند با اجتماع در کنیگز کالج لندن مانع از سخنرانی "یکی از کارگزاران رژیم اسلامی" شوند.

حزب کمونیست کارگری در اطلاعیه خود دکتر مهاجرانی را کسی معرفی کرده بود که "گرچه اکنون در مسند حکومتی نیست ولی این چیزی از این کارنامه کم نمی کند. او هم اکنون نیز مدافع همان حکومت است. و اگر می توانست و راه داده می شد هم اکنون نیز مشغول همان خدمات به حکومت اسلامی بود."

بخشی از اعضای همین گروه چهار سال قبل با تظاهرات و جنجال خود کنفرانس برلین را که به دعوت بنیاد صلح هاینریش بل و حزب سبز

آلمان برپا شده بود به آشوب کشیدند و اکبر گنجی، حسن یوسفی اشکوری، مهرانگیز کار، عزت الله سبحانی را به همکاری با نظام جمهوری اسلامی متهم کردند. این عده پس از بازگشت به ایران نیز محاکمه و به حبس های طولانی محکوم شدند.

بنا به گزارش ها دقایقی بعد از حضور عده ای از ایرانیان که به دعوت جامعه ایرانیان و دانشجویان ایرانی کینزکالج در محل آن دانشگاه جمع شده بودند تا سخنان عطاالله مهاجرانی را درباره مولانا جلال الدین رومی بشنوند، ناگهان با صدای درآمدن آژیر خطر که برای مواقع اضطراری و آتش سوزی تعبیه شده ناچار به ترك سالن سخنرانی شدند.

دقایقی بعد با حضور پلیس و ماموران آتش نشانی و فاش شدن علت به صدا درآمدن آژیر خطر، در حالی که جمعی از حاضران محل را ترك کرده بودند به پیشنهاد سخنران، دانشجویان ایرانی برگزار کننده جلسه از حاضرین دعوت کردند که برای شنیدن سخنرانی وارد سالن شوند.

به این ترتیب سخنرانی با یک ساعت و نیم تاخیر آغاز شد ولی وقت به پرسش و پاسخی که برای پایان سخنرانی پیش بینی شده بود نرسید و جلسه زیر نظارت ماموران پلیس به پایان رسید.

وزیر سابق فرهنگ و رییس سابق مرکز گفتگوی تمدن ها که در اعلامیه اتحادیه کمونیست کارگری از وی به عنوان مشاور رییس

جمهور نام برده شده بود ساعتی بعد از پایان جلسه، در گفتگویی با بی بی سی گفت کسانی که مانع برپائی جلسات فرهنگی می شوند در حقیقت سخنی برای گفتن ندارند و خود این را می دانند.

شش سال پیش نیز عطاالله مهاجرانی در زمانی که به عنوان وزیر ارشاد کابینه محمد خاتمی برای سخنرانی وارد جلسه وزیران فرهنگ در مرکز یونسکو می شد با پرخاش و تخم مرغ پرائی چند تن از مخالفان جمهوری اسلامی روبرو شد اما در نطق خود با اشاره به آن حادثه گفت این قبیل حوادث نشان می دهد که بشر نیاز به گفتگو و تبادل های فرهنگی دارد. \*

مرگ بر جمهوری اسلامی، زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## متن مکالمه تلفنی مهاجرانی با کاظم نیکخواه

سیاست حرف بزنم

- مهم نیست شما در مورد چی میخواین حرف بزنین. مساله اینه که شما وزیر ارشاد اسلامی و یکی از افراد کلیدی رژیم بودین که هزار جنایت کرده و داره میکنه نمیشه که یک مرتبه بیاین بگین من سیاست رو گذاشته ام کنار میخوام از فلسفه حرف بزنم. فردا اگه آقای خامنه ای بیاد بگه من سیاست رو گذاشته ام کنار باید ازش قبول کنیم و دیگه به گذشته اش کاری نداشته باشیم؟ خود شما قبول میکنین؟ بهرحال از نظر ما همه دست اندرکاران رژیم باید محاکمه بشن. نباید اجازه پیدا کنن بیان برای خودشان میون مردم بگردن میون پناهنده بگردن میون ایرانیا بگردن... (حرف منو قطع کرد)

- من که الان دارم تو لندن زندگی میکنم

- نمیدونم شما کجا زندگی میکنین حرف ما اینه که شما جزو سران و کارگزاران این رژیم هستین شما دستتون به همین جنایات آلوده س... (حرف منو قطع کرد)

- تو حزب شما که الان اختلاف پیش آمده عده ای جدا شده اند. ۲۴ نفر از حزب رفته اند.

- (من حرفش رو قطع کردم) ۲۴۰ نفر هم پیوسته اند. اینو هم خبر دارین؟

- منظورم اینه که آقای تقوایی هم گفته بالای حزب در بحران است و کسی حرف کسی را گوش نمیده. شما که تو خودتون تونستین همدیگه رو قانع کنین چطور میخواین منو قانع کنین؟

- کی میخواد شما رو قانع کنه شما سیاست حزب رو پرسیدین. منم دارم براتون توضیح میدم

- بهرحال موفق باشین. سخنرانی بهرحال روز دوشنبه برگزار میشه شاید هم اومدین اونجا همدیگر رو دیدیم

- تظاهرات ما هم حتما برگزار میشه. بله شاید همدیگر رو دیدیم.

- خداحافظ شما

روز جمعه ۱۱ مارس يك روز بعد از اینکه اعلامیه ای از تشکیلات خارج کشور منتشر شد که اعلام تظاهرات علیه حضور مهاجرانی در کینگز کالج کرده بود، عطاء الله مهاجرانی به تلفن من زنگ زد تا مساله را جویا شود. اکنون که ایشان با تظاهرات حزب رو در رو شده است و سخنرانی عرفانیش را فرو خورده است بد نیست عین این مکالمه را هم بخوانید.

\*\*\*

- الو آقای کاظم نیکخواه؟

- بله بفرمایید

- من مهاجرانی هستم

- حالتون چطوره؟

- من مهاجرانی وزیر سابق فرهنگ جمهوری اسلامی هستم

- بله متوجه شدم

- من تلفن شما رو از روی سایتتون برداشتم. چهره مهربونی دارین

- (خندیدم) من آدم مهربونی هستم... ولی چهره منو کجا دیدین؟

- همونجا روی سایت حزب عکسهای کمیته مرکزی هست

- بله درسته

- من رو تعدادی از بچه هایی که روشنفکر و بعضا حتی چپ هستند دعوت کرده اند که در دانشگاه لندن این دوشنبه سخنرانی کنم. من از یکی از دوستان شنیدم که بچه های حزب کمونیست کارگری میخوان این جلسه رو بهم بزنن. گفتم به شما زنگ بزنم ببینم این موضع حزب است یا نه.

- جلسه بهم زدن که نه اما در مورد تظاهرات بله این موضع حزب است. تشکیلات انگلستان حزب اطلاعیه ای در این مورد داده مگه ندیدین...؟

- نخیر روی سایت حزب نیست من ندیدم

- کدوم يك از سایت های حزب رو نگاه کردین

- سایت حزب کمونیست کارگری دیگه

- آها شاید این یکی سایت کمی عقبه برین تو سایت "روزنه" اون بالای صفحه می بینین. (آدرس رو بهش دادم و نوشت و بعد ادامه دادم): شما وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی بودین. معاون رئیس جمهوری رژیم بودین که داره هنوز هم سر میبره، شکنجه میکنه، سنگسار میکنه.. (حرف منو قطع کرد..)

- من الان آدم دیگه ای هستم من گذشته ام رو گذاشته ام کنار. سیاست رو گذاشتم کنار. نمیخوام که در مورد

## مهاجرانی کیست؟

او یکی از سیاستگزاران و ایدئولوگهای کلیدی حکومت اسلامی از ابتدای تشکیل حکومت تا سال ۲۰۰۳ بوده است. او یکی از معدود افراد مورد اعتماد ویژه خمینی و خامنه ای بود که به سمتهای مختلفی از جمله سازمان دادن "انقلاب اسلامی" در فلسطین که نام دیگری برای صدور تروریسم اسلامی است ماموریت یافت و به مدت هفت سال در هدایت گروههای تروریستی حزب الله و جهاد در فلسطین و شمار دیگری گروههای اسلامی تروریستی در کشورهای دیگر نقش اساسی داشت. او از سال ۸۰ تا ۸۴ یعنی از همان ابتدای تهاجم خوین رژیم به مردم انقلابی، نماینده مجلس اسلامی بود. او از سال ۹۲ تا سال ۹۴ بعنوان يك فرد توانا و مورد اعتماد به دستور مستقیم خامنه ای در راس "شورای عالی سیاستگزاری" صدا و سیما جمهوری اسلامی قرار داشت.

او یکی از سیاستگزاران و ایدئولوگهای کلیدی حکومت اسلامی از ابتدای تشکیل حکومت تا دو سال پیش بود که در جنگ قدرت ناچار به استعفا گردید. طی این دو سال نیز يك کلمه از این گذشته جنایتکارانه خود از مردم پوزش نخواست است. اینک او اکنون در مسند حکومتی نیست چیزی از این کارنامه کم نمیکند. او هم اکنون نیز مدافع همان حکومت است. و اگر میتوانست و راه داده میشد هم اکنون نیز مشغول همان خدمات کذابی به حکومت اسلامی بود. او در میان نویسندگان و دانشجویان و مردمی که عزیزانشان را توسط همان دستگاههایی که مهاجرانی در راس آن بود از دست داده اند، هزاران شاکی خصوصی دارد. جریانات دست راستی و بقایای دوم خردادی حکومت و توده ای - اکثریتی هایی که تاکنون در بیرون حکومت به رژیم اسلامی خدمات میداده اند، اکنون با بن بست سیاستهایشان و با به لرزه افتادن حکومت، به صرافت آبرو خیزین برای امثال مهاجرانی افتاده اند تا آنها را "فیلسوف" و "تئوریسین" و "ژورنالیست" غیر سیاسی جلوه دهند. اما مردم ساده نیستند. اینان ابتدا باید پاسخگوی جنایات خود باشند. اگر ادعا میکنند که از آن گذشته دست کشیده اند باید گوشه ای از جنایات حکومت را در میکروفونهایی که جلویشان گذاشته میشود بازگو کنند و به گوش جهانیان برسانند. باید از مردم به خاطر جنایتشان عذر خواهی کنند. باید دست از

شکنجه، کتاب سوزان، اعدام و شکنجه تا دو سال پیش بود که در جنگ قدرت ناچار به استعفا گردید. طی این دو سال نیز يك کلمه از این گذشته جنایتکارانه خود از مردم پوزش نخواست است. اینک او اکنون در مسند حکومتی نیست چیزی از این کارنامه کم نمیکند. او هم اکنون نیز مدافع همان حکومت است. و اگر میتوانست و راه داده میشد هم اکنون نیز مشغول همان خدمات کذابی به حکومت اسلامی بود. او در میان نویسندگان و دانشجویان و مردمی که عزیزانشان را توسط همان دستگاههایی که مهاجرانی در راس آن بود از دست داده اند، هزاران شاکی خصوصی دارد. جریانات دست راستی و بقایای دوم خردادی حکومت و توده ای - اکثریتی هایی که تاکنون در بیرون حکومت به رژیم اسلامی خدمات میداده اند، اکنون با بن بست سیاستهایشان و با به لرزه افتادن حکومت، به صرافت آبرو خیزین برای امثال مهاجرانی افتاده اند تا آنها را "فیلسوف" و "تئوریسین" و "ژورنالیست" غیر سیاسی جلوه دهند. اما مردم ساده نیستند. اینان ابتدا باید پاسخگوی جنایات خود باشند. اگر ادعا میکنند که از آن گذشته دست کشیده اند باید گوشه ای از جنایات حکومت را در میکروفونهایی که جلویشان گذاشته میشود بازگو کنند و به گوش جهانیان برسانند. باید از مردم به خاطر جنایتشان عذر خواهی کنند. باید دست از

براتون توضیح میدم

- بهرحال موفق باشین. سخنرانی بهرحال روز دوشنبه برگزار میشه شاید هم اومدین اونجا همدیگر رو دیدیم

- تظاهرات ما هم حتما برگزار میشه. بله شاید همدیگر رو دیدیم.

- خداحافظ شما

روز موعود یعنی روزی که قرار بود سخنرانی ایشان "بهرحال" برگزار شود من آنجا رفتم اما آقای مهاجرانی را ندیدم چون ایشان آنطور که از برگزار کنندگان سخنرانی شنیدیم خود را در طبقه پنجم ساختمان مخفی کرده بودند و از پشت پنجره اعتراضات و تظاهرات را نظاره میکردند!

کاظم نیکخواه

دیر تشکیلات خارج حزب کمونیست کارگری

فعالیت های به اصطلاح "فرهنگی" ای که در چارچوب سیاستهای همان حکومت است بردارند. و منتظر بنشینند تا نوبت قضاوت مردم در دادگاههای مردمی برسد. این منصفانه ترین انتظار مردم از عوامل و دست اندرکاران سابق حکومت توحش اسلامی است. مهاجرانی هیچکدام از اینها را نکرده است.

پرونده مهاجرانی و تمام دست اندرکاران دیروز و امروز حکومت در نزد مردم باز است. حزب کمونیست کارگری افتخار میکند که اجازه نداده است و نخواهد داد که دست اندرکاران جنایتکار حکومت با میانجی گری گروهها و انجمنهای دست راستی و مرتجعین هم پالکی خود پرونده جنایات خود را مختومه اعلام کنند و لباس "ژورنالیست" و "نویسنده" و "فیلسوف" بپوشند و به سفیر آشتی حکومت با مردم فراری شده از جهنم اسلامی تبدیل شوند. جمهوری اسلامی با گسترش اعتراضات مردم به تلاطم مرگ افتاده است. وزرا و دست اندرکاران و ایدئولوگهای سابق و امروز این حکومت میتوانند گلیم خود را از آب بکشند. اما نباید انتظار داشت که مردم بجان آمده به صرف اینکه اینها اکنون در حکومت نیستند، دهن کجی اینها به مردم و ماستمالی کردن جنایاتشان را بپذیرند.

مرگ بر جمهوری اسلامی  
آزادی برای حکومت کارگری  
تشکیلات خارج کشور  
حزب کمونیست کارگری ایران - بریتانیا

۱۲ مارس ۲۰۰۵ - ۲۲ اسفند ۱۳۸۳

## انعکاس تظاهرات حزب علیه مهاجرانی در سایت بازتاب

۲۵ اسفند ۱۳۸۳

**تظاهرات کمونیست ها در لندن  
بر ضد سخنرانی مهاجرانی**

پس از آن که انجمن Kings College لندن از عطاء الله مهاجرانی، وزیر سابق فرهنگ و ارشاد اسلامی، دعوت کرد تا در این کالج سخنرانی کند، حزب کمونیست کارگری تظاهراتی را علیه حضور وی سازمان داد و صدها نفر در برابر تالار سخنرانی، تظاهرات کردند. کاظم نیکخواه، از اعضای حزب کمونیست کارگری، که در برابر این تالار قرار دارد، در مصاحبه با رادیو فردا گفت: دست اندرکاران جمهوری اسلامی باید به عنوان جنایتکار شناخته شوند نه اینکه امکان پیدا کنند بیایند خود را با تشریح همان سیاستها، خودشان را فیلسوف و تئوریسین و ژورنالیست معرفی کنند. وی گفت: موضوع سخنرانی مهاجرانی درباره عرفان اسلامی و مولوی است ولی مسئله اصلی این است که این راهی است برای راه یافتن سران سابق و فعلی جمهوری اسلامی به خارج از کشور به عنوان سفیر آشتی. وی افزود: ما همیشه علیه اینها اعتراض کردیم. وی گفت: در این تظاهرات، درگیری نداشتیم. \*

## در حاشیه رویدادها

سیاوش دانشور



### "انتخابات" رژیم اسلامی

با نزدیک شدن به نمایش انتخابات رئیس جمهور اسلامی جنب و جوش در میان جناحهای حکومت و اپوزیسیون طرفدار آن تشدید شده است. اخبار "منابع" نزدیک به حکومت روی رفسنجانی تمرکز بیشتری دارد. بخشی از راست حکومتی نمیخواهد به آمدن رفسنجانی گردن بگذارد و بیشتر در فکر یکدست کردن نهادهای قدرت است. بخشی دیگر رفسنجانی را کلید تعدیل فشار بین المللی روی رژیم و باز شدن فرجه برای معامله با آمریکا و اروپا میدانند. دو خردا دیها که آینده ای برای خود نمی بینند با معین و کروی و پرچم "اصلاحات" نمرده و دور دوم اصلاحات را شروع میکنند "فلا سرگرم اند. اما عاقل ترهاشان خود را در لحظه آخر برای حمایت از رفسنجانی آماده میکنند. اپوزیسیون حاشیه حکومت و ملی مذهبی ها چرتکه می اندازند که آیا میشود از "فرصت" انتخابات استفاده کرد یا نه؟ هر کدام حضور خود و وجود شرایط بازتری برای نمایش رقابت اسلامیون در این مضحکه را "راه نجات" مردم میدانند. بخشی از جمهوریخواهان بیرون حکومت طبق عادت ژئیتیکی پیش شرطهای "یک انتخابات دموکراتیک" را مطرح میکنند و حول بیانیه اخیر ۶۶۵ نفر، که خودشان نام "انتهای آزاد" را بر خویش نهاده اند، بعنوان یک "حرکت تاریخی و عروج حرکت دموکراسی در ایران" دم گرفته اند. جناح دیگر رفراندم چی دلگیر شدند که چرا این همه بیانیه در مقابل بیانیه صادر میشود و چرا به فراخوان رفراندم که همان حرف را میزند ملحق نمیشوند؟ عده دیگری نقش کوفی عنان را بازی میکنند که این دو بیانیه و فراخوان گوشه های یک جنبش واحد است و تناقضی با هم ندارد! خلاصه اینکه وضعیت رژیم و اپوزیسیون راست آن درهم ریخته و دیدنی است. آینده رژیم اسلامی را نه جدال دیپلماتیک اروپا و آمریکا تعیین

### حداقل دستمزد ۸۴

شورای عالی کار حداقل دستمزد کارگران را برای سال ۸۴ تعیین کرد. ۱۲۲ هزار و ۵۹۲ تومان! یعنی تقریباً یک سوم خط فقر رسمی و اعلام شده توسط بانک مرکزی. به حداقل دستمزد کارگران در سال گذشته ۱۵ درصد با احتساب تورم (معلوم نیست چگونه حساب کرده اند) اضافه شده است. این میزان در همین روزهای نزدیک سال نو و گران شدن اجناس به جیب خودشان بازگشت. آش اینقدر شور است که یکی از مسئولین شوراها اسلامی کار گفته است که "اینگونه افزایش دستمزدها، توهین به جامعه کارگری است و نمایندگان کارگری باید جلسه را ترک میکردند!"

نه این حضرات "نماینده" کارگری هستند و نه کارگران هیچوقت شوراها اسلامی کار را بعنوان نماینده خود قبول کردند. این ژست ها برای اینست که اعتراض و عصبانیت کارگران را به کانال شوراها اسلامی و عریضه نویسی های آنها هدایت کنند. توقع کارگران از دستمزد روشن و اعلام شده است: دستمزدی که پاسخ تامین یک زندگی مرفه را برای خانواده کارگری میدهد. این خواست در قطعنامه های کارگری و در اعتراضات متعدد کارگران بارها عنوان شده است. جمهوری اسلامی و سرمایه داران با این حداقل دستمزد دارند فقر مطلق را به خانواده کارگری تحمیل میکنند و کارگران ایران ناچارند در مقابل آن بایستند. چه مبارزه برای افزایش دستمزد و چه مبارزه برای نقد کردن دستمزدهای معوقه و دیگر مطالبات کارگری در صفحه دیگری جریان دارد که در آن شوراها اسلامی کار هیچکاره اند. در مبارزه مستقیم و توده ای کارگران، در اعتصاب و اعتراض هر روزه، در تصمیم مجامع عمومی کارگری، و در تلاش برای برپائی تشکلهای واقعی کارگران. مبارزه برای افزایش دستمزدها و دیگر مطالبات کارگری مستقل از این تصمیم دولت و کارفرمایان ادامه خواهد یافت. از جمله اول مه روز کارگر فرصت مناسبی برای اعلام متحد و سراسری این خواستههاست. \*

### اطلاعیه تغییر طول موج رادیو انترناسیونال

از ۷ فروردین ۱۳۸۴  
۲۱ متر برابر با ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز

با اطلاع میروانیم که از تاریخ ۷ فروردین ۱۳۸۴ برابر با ۲۷ مارس ۲۰۰۵، طول موج رادیو انترناسیونال تغییر میکند. طول موج جدید رادیو ۲۱ متر برابر با ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز است. برنامه های رادیو انترناسیونال از روز یکشنبه ۷ فروردین ۱۳۸۴، ساعت ۹ شب به وقت تهران، روی طول موج کوتاه ۲۱ متر برابر با ۱۳۸۰۰ کیلوهرتز پخش میشود. بدلیل فاصله در تغییر ساعت ایران و اروپا، برنامه های رادیو موقتاً و بمدت یک هفته، از اول فروردین تا هفتم فروردین، ساعت ۸ شب در طول موج فعلی پخش میشود. لطفاً ساعت پخش و طول موج جدید رادیو انترناسیونال را و سبعا به اطلاع عموم برسانید.

مدیر رادیو انترناسیونال

سیاوش دانشور

۱۶ مارس ۲۰۰۵

### علیه آدم ربائی جمهوری اسلامی

نماینده‌گی از طرف کارگران این موسسه بروده شدن کارگر ساختمانی بهالدين حسينی در شهر سنندج در روز سوم اسفند ۱۳۸۳ توسط نیروهای وزارت اطلاعات را محکوم کرده و از تمامی سازمانهای کارگری و احزاب کارگری و مترقی و انساندوست مصرانه میخواستیم از موقعیت خود در سطح جهان استفاده و از مراجع بین المللی به دولت ایران اعلام نمایند که مسئولیت جان بهالدين حسينی بعهدہ آنهاست. هرگونه آزار و اذیت و شکنجه در مورد این کارگر محکوم است. امروز کارگران در ایران در وحشیانه ترین شرایط استثمار و بی حقوقی بسر میبرند و این حق هر کارگری است که در دفاع از زندگی و حرمت انسانی خود تلاش نماید. در اینجا جا دارد از تمامی کارگران ایران تقاضا کنیم که به این عمل ضدانسانی رژیم جمهوری اسلامی اعتراض نموده و صدای خود را بلند کنند. از احزاب کارگری نیز میخواستیم با جمع آوری امضا در سطح جهان برای آزادی بهالدين حسينی تلاش نمایند. امروز بهالدين حسينی بروده میشود و در صورت مقابله نکردن ما کارگران با سیاستهای سرکوبگرانه رژیم، فردا نوبت هر کارگری آگاهی خواهد بود. دست همه فعالین را در این تلاش همگانی میفشاریم.

#### کارگران چندین کارخانه خواهان آزادی فوری بهاء الدین حسینی شدند

جمعی از کارگران کارخانه های مختلف طی نامه ای به سازمانهای کارگری و احزاب کارگری و سازمانهای انساندوست خواهان آزادی فوری کارگر بروده شده توسط جمهوری اسلامی شدند. بهاء الدین حسینی، فعال کارگری و شاغل در یک کارگاه ساختمانی در سنندج روز ۳ اسفند > ۲۲ فوریه، توسط جمهوری اسلامی بروده شده و جان او در خطر است. حزب کمونیست کارگری ضمن قدردانی از کارگران کارخانه های ماشین سازی تبریز، پتروشیمی تبریز، ماشین سازی اراک، نورد لوله اهواز، صنایع فولاد اهواز و کارگران پتروشیمی بندر امام ماهشهر سایر مراکز کارگری و همه مردم آزادیخواه را فرامیخواند با جمع کردن و ارسال نامه های اعتراضی به جمهوری اسلامی خواهان آزادی فوری بهاء الدین حسینی شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۲ مارس ۲۰۰۵، ۲۲ اسفند ۱۳۸۳  
\*\*\*

نامه کارگران کارخانه های مختلف برای آزادی بهاء الدین حسینی: به : سازمانها و احزاب کارگری و انساندوست در سراسر جهان از طرفا جمعیتی از کارگران :

- کارخانه ماشین سازی تبریز
  - پتروشیمی تبریز
  - ماشین سازی اراک
  - کارخانه نورد لوله اهواز
  - صنایع فولاد اهواز
  - پتروشیمی بندر امام ماهشهر
- بدینوسیله ما جمعی از کارگران به